

پیش‌بینی عزت‌نفس بر اساس مهارت حل مسئله، اثرات منفی شکست و خصومت با توجه به

نقش واسطه‌ای خودفریبی در دانشجویان دانشگاه آزاد سنندج

مصلح شفیعی^۱، انور امیری^۲

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. استادیار، دانشگاه فرهنگیان کردستان، ایران.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هشتم، شماره سی، تابستان ۱۴۰۵، صفحات ۱۱۷-۱۰۴

چکیده

پژوهش حاضر باهدف پیش‌بینی عزت‌نفس بر اساس مهارت حل مسئله، اثرات منفی شکست و خصومت با توجه به نقش واسطه‌ای خودفریبی در دانشجویان دانشگاه آزاد سنندج انجام شد. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی که به شیوه همبستگی اجرا شد بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی ۳۲۷۸ نفر دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه آزاد واحد سنندج در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۳۴۵ نفر انتخاب شدند. ابزار پژوهش حاضر نیز شامل پرسشنامه عزت‌نفس کوپر اسمیت، پرسشنامه خصومت ویلیامز، پرسشنامه‌ی مهارت حل مسئله هپنر و پرسشنامه مقیاس خودفریبی سیرونت و همکاران بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل‌ها برازش مناسبی دارند و خودفریبی به‌عنوان یک واسطه مهم در پیش‌بینی عزت‌نفس بر اساس این متغیرها عمل می‌کنند.

واژگان کلیدی: عزت‌نفس، مهارت حل مسئله، شکست، خصومت و خودفریبی.

مقدمه

عزت نفس به عنوان یک سازه روان شناختی به ارزیابی و نگرش فرد نسبت به خود اشاره دارد این مفهوم شامل احساسات و باورهای فرد در مورد ارزشمندی، توانمندی و شایستگی های خود است. عزت نفس به میزان ارزشی که افراد برای خود قائل هستند اشاره دارد و می تواند مثبت یا منفی باشد. افرادی که عزت نفس بالایی دارند، به خود و توانایی هایشان اطمینان دارند و خود را شایسته احترام و محبت می دانند. در مقابل، افرادی که عزت نفس پایینی دارند احساس کم ارزشی و عدم شایستگی می کنند و ممکن است در برابر انتقادها و شکست ها به شدت آسیب پذیر باشند (اورث و رابینز، ۲۰۱۹). عزت نفس به معنای ارزیابی مثبت فرد از خود و احساس ارزشمندی شخصی است که به عنوان یکی از عوامل محافظت کننده در برابر مشکلات روانی شناخته می شود. در کنار واژه عزت نفس واژه حل مسئله قرار می گیرد که رابطه ای همسو با عزت نفس دارد چراکه هرچه توانایی مهارت حل مسائل گوناگون در فرد بیشتر باشد وی از عزت نفس بالاتری برخوردار است. مهارت حل مسئله به توانایی فرد در شناسایی، تحلیل و یافتن راه حل های مناسب برای مشکلات و چالش هایی که در زندگی روزمره با آن ها مواجهه می شود اشاره دارد (روزنبرگ، ۱۹۶۵). عزت نفس و مهارت حل مسئله از جمله مؤلفه های اساسی در سلامت روان و کارکرد مؤثر اجتماعی افراد به شمار می روند. این دو عامل می توانند به طور متقابل تقویت کننده یکدیگر باشند و نقش مهمی در ارتقاء کیفیت زندگی فردی و اجتماعی ایفا کنند (اورث و رابینز، ۲۰۱۹). با این حال، شکست و خصومت می توانند تأثیرات منفی جدی بر عزت نفس و مهارت حل مسئله داشته باشند، شکست های مکرر می توانند منجر به کاهش اعتماد به نفس و افزایش احساس ناکامی شوند، در حالی که خصومت و برخوردهای منفی با دیگران می توانند باعث کاهش تعاملات مثبت و افزایش استرس شوند (جانسون و تامپسون، ۲۰۲۲). در چنین شرایطی، افراد ممکن است به خودفریبی روی آورند، خودفریبی حالتی است که در آن فرد واقعیت ها را نادیده گرفته و یا تحریف می کند تا از مواجهه با احساسات منفی اجتناب کند. خودفریبی به فرآیندی ناآگاهانه اشاره دارد که در آن فرد اطلاعات یا واقعیت های ناخوشایند را تحریف یا نادیده می گیرد تا از مواجهه با احساسات منفی، کاهش عزت نفس یا استرس های روانی جلوگیری کند. خودفریبی می تواند شامل توجیهات غیرواقعی، عدم پذیرش واقعیات یا بازتفسیر اطلاعات به شکلی که باورها و ارزش های فرد سازگار باشد. این مکانسیم دفاعی روانی به فرد کمک می کند تا به طور موقت از تنش های روانی کاسته و احساس راحتی بیشتری داشته باشد اما در بلندمدت می تواند منجر به مشکلات جدی تری از جمله کاهش توانایی حل مسئله و افزایش ناسازگاری روانی شود (آندرسون و کیم، ۲۰۲۳). خودفریبی به عنوان یک واسطه مهم بین اثرات منفی شکست و خصومت و کاهش عزت نفس و مهارت حل مسئله شناخته شده است. زمانی که افراد با شکست مواجهه می شوند، ممکن است برای حفظ عزت نفس خود به توجیه های نادرست و تحریف واقعیت ها روی آورند، اگرچه این موضوع ممکن است در کوتاه مدت به کاهش استرس و حفظ احساس ارزشمندی کمک کند، اما در بلندمدت منجر به کاهش توانایی در حل مسائل و عدم توانایی در مواجهه با مشکلات واقعی می شود، مطالعات اخیر نشان می دهند که تقویت عزت نفس و مهارت حل مسئله می تواند به کاهش میزان خودفریبی و تأثیرات منفی شکست و خصومت کمک کند (اسمیت و براون، ۲۰۲۳). همچنین تقویت مهارت های ارتباطی و کاهش خصومت در روابط بین فردی می تواند به بهبود عزت نفس و افزایش کارآمدی در حل مسائل کمک کند در مجموع، عزت نفس و مهارت حل مسئله دو عامل اساسی در بهبود کیفیت زندگی و کاهش تأثیرات منفی شکست و خصومت هستند. خودفریبی به عنوان یک واسطه مهم می تواند این ارتباطات را تحت تأثیر قرار دهد و با کاهش آن می توان به بهبود سلامت روانی و اجتماعی افراد کمک کرد (جونز و میلر، ۲۰۲۲).

عزت نفس متغیری بسیار بااهمیت در جوامع انسانی و همچنین وجود آن لازمی سلامت روانی فرد است. عزت نفس به مثابه یک سرمایه ارزشمند حیاتی، از مهم ترین عوامل پیشرفت و شکوفایی استعداد و خلاقیت است که در دهه های اخیر به عنوان یکی از عوامل مهم و اساسی در رشد و شکوفایی انسان ها مورد توجه بسیاری از روانشناسان و پژوهشگران قرار گرفته است (گولد و آندرز، ۲۰۱۲). عزت نفس، مانند خودکارآمدی، جنبه ای از خودپنداره است که در محاوره با دیگران کسب می گردد و قضاوتی که طی بررسی نحوه کنار آمدن با استانداردها و ارزش های مورد نظر خود و مقایسه چگونگی عملکرد خود با دیگران با این قضاوت، ایجاد می شود (بابازاده و همکاران، ۲۰۲۱). عزت نفس بر همه افکار، ادراک ها، هیجان ها، آرزوها، ارزش ها و اهداف شخص نفوذ دارد و کلید رفتار اوست. محققان عقیده دارند عزت نفس از عوامل تعیین کننده رفتار در انسان به شمار می رود و در مراحل مختلف زندگی متأثر از چگونگی ارتباط با او دیگران است (آلمانی، آبرو و موقری، ۲۰۲۰). مزو از عزت نفس به عنوان یک نیاز یاد کرده و بیان می کند که همه افراد جامعه به ما احترام به خود یا عزت نفس یا احترام به دیگران تمایل یا نیاز دارند (شیمستی و همکاران، ۲۰۱۷). سیف در تعریف عزت نفس چنین آورده است: نیاز به احترام به خود، به عبارت دیگر نیاز به کسب موفقیت و تأیید یا نیاز به ایجاد تصور مثبت درباره خود و دیگران و این که دیگران او را فردی قابل احترام بدانند، بنابراین، عزت نفس که از عوامل تعیین کننده رفتار در انسان به شمار می رود، در زندگی از موارد متعددی تأثیر می پذیرد، خودفریبی به عنوان یک فرآیند، مفهومی بحث برانگیز و موضوعی برای اندیشه و بحث در میان پژوهشگران است (گولد و آندرز، ۲۰۱۲). فرهنگ لغت کالینز خودفریبی را به عنوان عمل فریب دادن خود، بخصوص در مورد ماهیت واقعی احساسات یا انگیزه های خود، تعریف می کند. به طور اساسی خودفریبی یک فرآیند روان شناختی است که یک باور مغایر با شواهد موجود می سازد و آن را تغذیه می کند (نصرآباد و همکاران، ۲۰۱۹). افراد از طریق یک فرایند خود-متقاعدسازی^۱ غلط، شروع به فریب دادن خود می کنند و این خودفریبی ادامه پیدا می کند تا زمانی که از طریق یک فرایند یادگیری ضمنی و غیرتداعی کننده، فریب خود را باور کنند. خودفریبی به هر فرآیند شناختی یا ادراکی گفته می شود که به دلیل نیاز به حفظ و تقویت عزت نفس، واقعیت تحریف می شود. به این معنی که افراد تمایل دارند موفقیت را به توانایی ها و تلاش های خود نسبت دهند، اما شکست و خصومت ها را به عوامل بیرونی نسبت می دهند. هنگامی که افراد بازخوردهای منفی را رد می کنند، بر نقاط قوت و دست آوردهای خود تمرکز می کنند، همچنین آن ها از عزت نفس خود در برابر تهدید و آسیب محافظت می کنند (سکیم و همکاران، ۲۰۱۸).

خودفریبی به عنوان یک مکانیزم دفاعی روان شناختی، به فرد این امکان را می دهد که واقعیت های ناخوشایند را نادیده بگیرد و به جای آن تصاویری کاذب از خود بسازد. یکی از پیامدهای اصلی این مکانیزم، ایجاد عزت نفس کاذب است. در این حالت، فرد به طور موقت احساس خوبی نسبت به خود دارد، زیرا با تحریف واقعیت و چشم پوشی از نقاط ضعف یا شکست های خود، به نوعی از خود در برابر انتقادات درونی و بیرونی محافظت می کند؛ اما این عزت نفس کاذب پایدار نیست و در طولانی مدت با رویارویی مجدد با واقعیت های تلخ، می تواند منجر به افت شدید عزت نفس شود. این کاهش عزت نفس ممکن است به احساس ناتوانی، عدم خود ارزشمندی و نهایتاً به افسردگی منجر شود. آگاهی و شناخت هیجانات شامل عوامل بین فردی مانند شکست و خصومت هست؛ چنین به نظر می رسد که افراد مختلف، ذهنیت های متفاوتی نسبت به عاطفه، محبت و دل بستگی دارند که از سال ها قبل، در ذهن آن ها شکل گرفته است. کسانی که به هر دلیلی، داشتن رابطه عاطفی با والد خود را از دست می دهند، همیشه به دنبال یک جایگزین می گردند (زیگلر-هیل و مارکوس، ۲۰۱۶). علاوه بر این، خودفریبی می تواند به طور مستقیم بر مهارت های

¹ self-conviction

حل مسئله نیز تأثیر بگذارد. فردی که درگیر خودفریبی است معمولاً تمایلی به مواجهه با مسائل و چالش‌های واقعی ندارد و به جای حل مشکلات، سعی می‌کند آن‌ها را نادیده بگیرد یا به شکلی غیرواقعی تفسیر کند. این عدم توانایی در حل مشکلات به تدریج می‌تواند شکست‌های تحصیلی و اجتماعی بیشتری را به دنبال داشته باشد. بر این اساس اگر فرد در رابطه‌ای با شکست مواجهه شود، یک احساس عدم امنیت به او دست خواهد داد؛ بر این اساس، اثرات و پیامدهای منفی ضربه شکست از فردی به فرد دیگر متفاوت است چه این شکست از نوع کاری، تحصیلی و یا حتی عاطفی باشد، از این رو تفاوت‌های فردی در الگوی فعال درونی، سبک دل‌بستگی، نوع شخصیت و غیره در سازگاری یا عدم سازگاری فرد با شکست مؤثر است و بر روی انتظارات فرد درباره خود و عزت نفس خود تأثیر می‌گذارد. همچنین، خودفریبی ممکن است به خصومت و پرخاشگری منجر شود. زمانی که فرد نتواند با واقعیت‌های منفی درباره خود یا شکست‌هایش کنار بیاید، احتمال دارد که این ناکامی‌ها را به دیگران نسبت داده و به جای پذیرش مسئولیت، به رفتارهای خصمانه روی آورد. در نتیجه، خودفریبی نه تنها بر عزت نفس تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه می‌تواند موجب تشدید مشکلات ارتباطی و افزایش خصومت در روابط فرد شود برخی افراد در پی تجربه شکست، احساس خصومت دارند. خصومت، یکی از صفات منفی نفسانی است که در لغت به معنای دشمنی و ستیزه و نزد دانشمندان اخلاق در معنای نزاع لفظی است که شاید بتوان آن را هم نوعی استیفای حق نامید (حسینی و همکاران، ۲۰۱۷). احساس خصومت، هیجان منفی از یک تنفر پایدار و خشم پنهان است که با میل شدید به تلافی برای آسیب واقعی یا ذهنی همراه است و با بدرفتاری کلامی، نداشتن همکاری، نقض مقررات و هنجارها یا رفتار تهدیدکننده ابراز می‌شود (المانی، ابرو و موگری، ۲۰۲۰)؛ ازجمله پیامدهای خصومت می‌توان به عملکرد تحصیلی ضعیف (آرشان و آلتینباش آکاس، ۲۰۱۸)؛ اخراج از مدرسه یا محل کار؛ گرایش به سمت اختلالات اعتیادی و مرتبط با مواد^۱ (بوتچی، ۲۰۱۲)، طرد شدن توسط گروه همسالان (داولینگ، ۲۰۱۸)؛ مسائل مرتبط با اختلالات خلقی ازجمله افسردگی (ملکی و همکاران، ۲۰۱۳) و اختلال‌های روان‌تنی و علائم جسمی مانند سردرهای میگرنی، و زخم معده اشاره نمود (حسینی و همکاران، ۲۰۱۷). نتایج مطالعات حاکی از آن است که خصومت و رفتارهای همراه آن ازجمله چشمگیرترین مشکلات سلامت عمومی به شمار می‌آیند و دائماً تهدیدی برای خود فرد و جامعه محسوب می‌شوند (ملکی و همکاران، ۲۰۱۳). نهایتاً می‌توان گفت که شکست و به همراه آن احساس خصومت، عملکرد افراد در شرایط و موقعیت‌های اجتماعی، بین فردی و سازگاری با دیگران، رسیدن به اهداف مشخص شده زندگی و خانوادگی و موقعیت شغلی را به خطر می‌اندازد و نتیجتاً عزت نفس وی را کاهش می‌دهد (ظریف و قاسمیان، ۲۰۲۱). در این میان مهارت حل مسئله وجودش بسیار اهمیت پیدا می‌کند، حل مسئله یک راهبرد مقابله‌ای است که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی را افزایش می‌دهد و فشار روانی را کاهش می‌دهد (زیگلر هیل و مارکوس، ۲۰۱۶). از حیث نظری، الگوی پردازش اطلاعات، حل مسئله را به عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی، شامل شناسایی مسئله، هدف‌گزینی، انتخاب راه حل مناسب و ارزیابی نتایج حل مسئله تلقی می‌کند (آلمانی و همکاران، ۲۰۲۰). تحقیقات زیادی پیشنهاد می‌کنند که کسب مهارت‌های حل مسئله نقش مهمی در بهداشت روانی و جسمانی ایفا می‌کنند، مخصوصاً زمانی که افراد با رویدادهای ناگوار و تنیدگی‌های منفی زندگی مواجه می‌شوند به عنوان سپری محافظتی عمل می‌کند که خودپنداره فرد کمتر آسیب‌دیده و عزت نفس نیز متزلزل نشود (ظریف و قاسمیان، ۲۰۲۱). توانایی حل مسئله ازجمله‌ی موارد است که پیش‌بینی کننده‌ی مثبت عزت نفس در فرد است. در این میان از دیدگاه زیستی - انسان برای دستیابی به احساس امنیت، پیوستگی و ارزشمندی، آرامش و رضایت، به عنوان نمودهایی از عزت نفس سالم، نیازمند اندروفرین و هورمون

1 Substance-Related and Addictive Disorder

عصبی اکسیتوسین است؛ اما گاهی برای حفظ سیستم رضایت و کاهش احساس شکست و خصومت درونی خود، اندروفرین را نه از طریق مکانیزم‌های زیستی، بلکه از طریق مکانیزم‌های روانی همچون خودفریبی به دست می‌آورد بنابراین چنین به نظر می‌رسد که خودفریبی می‌تواند به‌عنوان یک متغیر میانجی در هنگام بروز شکست و خصومت به حفظ عزت‌نفس کمک کند همچنین جای خالی اثرات خودفریبی در این میان بسیار قابل‌مشاهده است. همچنین پیدا کردن نحوه‌ی اثرگذاری خودفریبی در این میان برای من از اهمیت بالایی برخوردار بوده و با توجه به اینکه خودفریبی یکی از ویژگی‌های بسیار مهم و از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سلامت روانی و سازگاری فرد هست از این عامل به‌عنوان میانجی بین مؤلفه‌های مذکور در تحقیق حاضر استفاده می‌گردد تا بتوان به شیوه‌ی تأثیرگذاری خودفریبی بر عزت‌نفس پرداخت، درواقع خودفریبی به‌عنوان یک خصیصه اثرگذار در گستره روان‌شناختی، موضوعی بسیار ملاحظه پذیر در حیطه عزت‌نفس است که آثار مشهود و نتایج انکارناپذیری دارد.

خودفریبی یک مفهوم روان‌شناختی است و دارای اهمیت بالایی در زندگی افراد است و یک باور مغایر با شواهد موجود می‌سازد و در صورت ادامه پیدا کردن این روند در زندگی فرد می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری را ایجاد کند. لازمی داشتن جامعه‌ای سالم و همچنین نیروی انسانی سالم بخصوص در میان دانشجویان که سرمایه‌های هر جامعه محسوب می‌شوند داشتن آگاهی لازم از شناختی درونی، نزدیک و ملموس با واقعیات زندگی به‌دوراز عنصر خودفریبی است، یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات اجتماعی امروزه در جوامع گوناگون بخصوص دانشجویان به‌عنوان قشر جوان و آینده‌ساز هر جامعه‌ای، نابهنجاری‌های رفتاری و روانی و روش‌های مقابله با آن‌هاست و همچنان که آمارهانشان می‌دهند، در حدود ۲۰ درصد جوانان در طول عمر خود دچار یک اختلال خلقی نیازمند به درمان و هشت درصد آنان نیز مبتلا به یک اختلال در سازگاری با فشارهای روانی و اجتماعی عمده می‌شوند (۲۳)، تردیدی نیست که در مسئله بهداشت روانی، تقویت عزت‌نفس و خودپنداره روزبه‌روز، بیشتر اهمیت می‌یابد، اما ازآنجا که برخورداری از عزت‌نفس والا، می‌تواند واجد طیف گسترده‌ای از پیشایندها و پیامدها باشد و ابعادی مانند اجتماع، خانواده، عواطف، شغل، بهداشت و ازدواج را شامل شود (آلمانی و همکاران، ۲۰۲۰)، این مهم لزوم شناخت و تسلط هرچه بیشتر بر تمامی ابعاد آن را نمایان می‌سازد. عزت‌نفس یک جنبه‌ی مهم در کارکرد یا بخش کلی زندگی انسانی است و با زمینه‌ی دیگری هم چون سلامت روانی، اجتماعی، عملکرد تحصیلی و شغلی وی در ارتباط است. شیوه‌ی تعامل عزت‌نفس به این صورت است که هم می‌تواند علت و هم معلول نوعی از عملکرد که درزمینه‌ی دیگری حاصل شده است باشد (نصیری و نوری، ۱۴۰۰). سطح عزت‌نفس به چگونگی رابطه با دیگران و برخورد با عوامل تنش‌زا در زندگی و همچنین با منبع کنترل بستگی دارد، بدین‌صورت که فرد دارای عزت‌نفس بالا دارای منبع کنترل درونی و فرد دارای عزت‌نفس پایین دارای کنترل بیرونی هست. عزت‌نفس بالا به‌عنوان یک نشانه از میزان سلامتی شخصی مطرح می‌گردد؛ یعنی ازآنجا که عزت‌نفس نقش اساسی در کاهش افسردگی، اضطراب و ناراحتی دارد، دارای ارزش زیادی است (فتحی، ۲۰۰۹). در پژوهش‌های پیشین عزت‌نفس، مهارت حل مسئله، شکست و خصومت به‌عنوان متغیرهایی مستقل و با ارتباطات دوسویه موردبررسی قرارگرفته‌اند. باین‌حال، بررسی این متغیرها در کنار یکدیگر و به‌ویژه نقش واسطه‌ای خودفریبی، تاکنون به‌طورجدی در پژوهش‌های علمی موردمطالعه قرار نگرفته است. در بسیاری از تحقیقات، خودفریبی به‌عنوان یک عامل روان‌شناختی موردتوجه قرارگرفته، اما تأثیر آن بر عزت‌نفس و همچنین اثرات آن بر مهارت حل مسئله، شکست و خصومت، در قالب یک مدل جامع موردبررسی قرار نگرفته است ضرورت این پژوهش ازآنجا ناشی می‌شود که شناخت دقیق ارتباطات میان این متغیرها می‌تواند به درک بهتر عوامل تأثیرگذار بر عزت‌نفس در دانشجویان کمک کند و راهکارهای مؤثری برای بهبود مهارت حل مسئله و کاهش شکست و خصومت ارائه دهد. همچنین، بررسی نقش واسطه‌ای خودفریبی در این مجموعه می‌تواند به شناخت دقیق‌تری از رفتارهای ناسازگارانه دانشجویان منجر شود و به ارائه

مداخلات مناسب برای ارتقاء سلامت روانی و تحصیلی آن‌ها کمک کند از آنجا که تاکنون پژوهشی که به طور جامع متغیرهای خودفریبی، عزت نفس، مهارت حل مسئله، شکست و خصومت را در کنار هم بررسی کند، انجام نشده است، این تحقیق می‌تواند سهم مهمی در پیش برد دانش علمی و توسعه راهکارهای روان‌شناختی داشته باشد. لازم به ذکر است که در ایران مطالعات بنیادی در خصوص تبیین عزت نفس بسیار کم انجام شده و حتی مطالعات روان‌سنجی نیز در ایران ناپذیر است، همچنین در شهر سنندج نیز پژوهشی در این رابطه به چشم نمی‌خورد با توجه به موارد گفته شده می‌توان گفت که انجام این پژوهش هم از لحاظ بنیادی و هم از لحاظ کاربردی، ضروری و همراه با دست آوردهای نوین خواهد بود؛ بنابراین این پژوهش باهدف پاسخگویی به این سؤال انجام گرفت که آیا پیش‌بینی عزت نفس بر اساس مهارت حل مسئله، اثرات منفی شکست و خصومت با توجه به نقش واسطه‌ای خودفریبی در دانشجویان دانشگاه آزاد سنندج امکان‌پذیر است؟

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی است، که به شیوه‌ی معادلات ساختاری است در این تحقیق از طریق شناسایی ماهیت و شکل روابط بین دو یا چند متغیر و مطالعه تأثیرگذارها، چگونگی تحول ناپذیرها پیش‌بینی می‌شود و برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش ابزار پرسشنامه استفاده می‌شود و بر اساس آن رابطه بین عزت نفس و خودفریبی با مهارت حل مسئله و اثرات منفی شکست و خصومت مورد بررسی قرار گرفت. از طرح همبستگی هنگامی که کشف رابطه بین متغیرها مورد نظر باشد استفاده می‌شود. مطالعه میزان تغییرات یک یا چند متغیر بر اثر تغییرات یک یا چند متغیر دیگر بدین صورت میسر می‌گردد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی ۳۲۷۸ نفر دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه آزاد واحد سنندج در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. جهت برآورد حجم نمونه از جدول نمونه‌گیری مورگان استفاده شد، که بر اساس این جدول برای جامعه‌ای به حجم ۳۲۷۸ نفر، نمونه‌ای به حجم ۳۴۵ نفر کفایت می‌کرد؛ بنابراین با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس به تعداد ۳۴۵ نفر از دانشجویانی که مایل به همکاری باشند، جهت پاسخگویی به پرسشنامه‌ها دعوت گردید. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد؛

مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت: پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت (SEI) شامل ۵۸ ماده است که احساسات، عقاید یا واکنش‌های فرد را توصیف می‌کند و آزمودنی باید با این مواد با علامت‌گذاری در دو خانه به من شبیه است (بلی) یا به من شبیه نیست (خیر) پاسخ دهد. مواد هر یک از زیر مقیاس‌ها عبارت‌اند از: مقیاس عمومی ۲۶ ماده، مقیاس اجتماعی ۸ ماده، مقیاس خانوادگی ۸ ماده، مقیاس تحصیلی یا شغلی ۸ ماده و مقیاس دروغ ۸ ماده، نمرات زیر مقیاس‌ها و هم‌چنین نمره‌ی کلی، امکان مشخص کردن زمینه‌ای را که در آن افراد واجد تصویر مثبتی از خود هستند، فراهم می‌سازد (۷). بررسی‌ها در ایران و خارج از ایران بیانگر آن است که این آزمون از اعتبار و روایی قابل قبولی برخوردار است. هرز و گولن (۲۰۱۰) ضریب آلفای ۰/۸۸ را برای نمره کلی آزمون گزارش کرده‌اند. همچنین جهت سنجش روایی بین نمره کل آزمون با خرده مقیاس روان آورده‌گرایی در آزمون شخصیت آیسنک، روایی واگرایی منفی و معنادار و با خرده مقیاس برون گرایی روایی همگرایی مثبت معنادار به دست آمده است. ادموند سون و همکاران (۲۰۰۶) نیز ضریب همسانی درونی ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ را برای آزمون عزت نفس کوپر اسمیت گزارش کرده‌اند. کوپر اسمیت و دیگران (۱۹۹۰) ضریب باز آزمایی را بعد از پنج هفته ۰/۸۸ و بعد از سال ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند. با روش باز آزمایی ضریب پایایی این آزمون در ایران با فاصله چهار هفته و دوازده روز به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۸۰ گزارش شده است. ضریب همسانی درونی گزارش شده بین ۰/۸۹ تا ۰/۸۳ در مطالعات مختلف متغیر بوده است. پور شافعی (۱۳۹۰) با روش دونیمه کردن ضریب ۰/۸۷ را گزارش کرده است. در بررسی روایی آزمون کوپر اسمیت، ثابت (۱۳۹۵) و ناییبی فرد (۱۳۸۲) روایی همگرایی مثبت بین آزمون کوپر اسمیت و آزمون عزت نفس آیسنک به دست آوردند. این میزان در پژوهش ثابت ۰/۸۰ و در پژوهش ناییبی

فرد ۰/۷۸ بوده است. همچنین ضرایب اعتبار این آزمون با روش باز آزمایی برای دختران و پسران به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۲ گزارش شده است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد و همچنین روایی این پرسشنامه با استفاده از نظر اساتید رشته روان‌شناسی مورد تأیید قرار گرفت.

پرسشنامه خصومت ویلیامز (۱۹۹۸): ویلیامز این پرسشنامه را در سال ۱۹۹۸ در انجمن تحقیقات علوم رفتاری دانشگاه دوک آماده‌سازی کرد. این پرسشنامه دارای ۱۲ گویه است. هدف آن، سنجش میزان احساس خصومت در افراد است. طیف پاسخگویی آن از نوع دوگزینه‌ای بود که برای هر پاسخ بله، ۱ امتیاز و برای هر پاسخ خیر، ۰ امتیاز در نظر گرفته خواهد شد. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سؤالات با هم جمع می‌شود. نمرات بالاتر در این مقیاس نشان‌دهنده احساس خصومت بیشتر فرد پاسخ‌دهنده خواهد بود و نمرات پایین‌تر احساس خصومت کمتر را نشان می‌دهد. دامنه نمره از ۰ تا ۱۲ متغیر است. محمدیان (۱۴۰۰) ضریب ۰/۸۷ را گزارش کرده است. در بررسی روایی نوریون (۱۳۹۵) روایی همگرایی مثبت بین آزمون خشم آیسنک و خصومت به دست آوردند. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد و همچنین روایی این پرسشنامه با استفاده از نظر اساتید رشته روان‌شناسی مورد تأیید قرار گرفت.

پرسشنامه‌ی مهارت حل مسئله هپنر: پرسشنامه حل مسئله توسط هپنر و پترسن (۱۹۸۲) برای سنجش درک پاسخ‌دهنده از رفتارهای حل مسئله‌شان ۳۵ ماده دارد که برای اندازه‌گیری چگونگی واکنش افراد به مسائل روزانه‌شان طراحی (PSI) تهیه شده است. پرسشنامه حل مسئله بر مبنای چرخش تحلیل عاملی دارای ۳ زیر مقیاس مجزا است:

اعتماد به حل مسائل PSC با ۱۱ عبارت، سبک گرایش - اجتناب AA با ۱۶ عبارت، کنترل شخصی PC با ۵ عبارت. شیوه نمره گذاری به صورت گزینه کاملاً مخالفم ۱، به طور متوسط مخالفم ۲، اندکی مخالفم ۳، اندکی موافقم ۴، به طور متوسط موافقم ۵ و کاملاً موافقم ۶ هست. پرسشنامه حل مسئله با چندین نمونه از آزمودنی‌ها تنظیم و آزمایش شده است. آن همسانی درونی نسبتاً بالایی با مقادیر آلفایی بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ در خرده مقیاس‌ها ۰/۷۲ AA، PC ۰/۸۵ و PSC ۰/۹۰ برای مقیاس کلی دارد. (هپنر و پترسن ۱۹۸۲). روایی آزمون نشان داد که ابزار سازه‌هایی را اندازه‌گیری می‌کند که مربوط به متغیرهای شخصیتی و به طور قابل ملاحظه‌ای مرکز کنترل هستند (هپنر و پترسن ۱۹۸۲). پایایی بازآزمایی نمره کل پرسشنامه در فاصله دو هفته در دامنه‌ای از ۰/۸۳ تا ۰/۸۹ گزارش شده که بیانگر این است که پرسشنامه حل مسئله ابزاری پایا برای سنجش توانایی حل مسئله است.

این پرسشنامه توسط رفعتی و با راهنمایی خسروی در سال ۱۳۷۵ ترجمه و برای اولین بار در ایران استفاده شد (۱۸) آلفای کرونباخ به دست آمده در تحقیق خسروی، درویزه و رفعتی (۱۳۷۷) و در تحقیق بذل (۱۳۸۳) بر طبق جدول زیر گزارش شده است که در حد قابل قبولی است. با توجه به ضریب آلفای به دست آمده (اعتماد به نفس در حل مسئله ۰/۸۵، استقبال یا اجتناب از فعالیت‌های حل مسئله ۰/۸۴ و کنترل هیجانات و رفتار حین حل مسئله ۰/۷۲) عامل‌ها از سازگاری درونی مطلوب و قابل قبولی برخوردار بودند. با توجه به اینکه پرسشنامه به زبان انگلیسی بود محقق آن را با کمک یکی از متخصصان زبان ترجمه کرد سپس با کمک همکاران چندین بار تصحیح و در بین ۱۰۰ نفر از دانشجویان اجرا کرد که ضریب آلفای ۰/۸۰ برای اعتماد به نفس در حل مسئله، ۰/۷۸ برای استقبال یا اجتناب از فعالیت‌های حل مسئله و ۰/۷۰ برای کنترل هیجانات و رفتار حین حل مسئله به دست آمده است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد و همچنین روایی این پرسشنامه با استفاده از نظر اساتید رشته روان‌شناسی مورد تأیید قرار گرفت.

پرسشنامه‌ی مقیاس خودفریبی سیرونت و همکاران (۲۰۱۹): این مقیاس با هدف سنجش خودفریبی طراحی شده و شامل ۱۲ ماده و دو عامل، ماده‌های ۱ تا ۶ مربوط به سردرگمی و ماده‌های ۷ تا ۱۲ مربوط به عامل سوءاستفاده و دروغ است. ماده‌های این

مقیاس روی طیف پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) نمره گذاری می‌شود. حداقل نمره در این مقیاس ۱۲ و حداکثر نمره ۶۰ است. ضریب اعتبار این ابزار را به روش آلفای کرونباخ سیرون و دیگران (۲۰۱۹)، ۰/۸۵ به دست آورده‌اند. روایی این ابزار را نیز سیرون و دیگران (۲۰۱۹)، در ابتدا به روش تحلیل عاملی اکتشافی تأیید کردند و در ادامه شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی نیز نشان‌دهنده برازش مدل و احراز روایی مطلوب این ابزار بود سیرون و دیگران، (۲۰۱۹). پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد و همچنین روایی این پرسشنامه با استفاده از نظر اساتید رشته روان‌شناسی مورد تأیید قرار گرفت.

تمامی اصول اخلاقی در این پژوهش در نظر گرفته شده است. شرکت‌کنندگان در جریان هدف پژوهشی و مراحل اجرای آن قرار گرفتند. آن‌ها همچنین از محرمانه بودن اطلاعات خود اطمینان داشتند و با رضایت و آگاهی کامل به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. این مطالعه مورد تأیید کمیته اخلاق و پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی سندج قرار گرفت و با کد اخلاق IR.IAU.SDJ.REC.1403.036 مصوب گردید.

یافته‌ها

در این پژوهش از روش‌های آماری زیر استفاده شده است:

(الف) روش‌های آمار توصیفی برای تحلیل مقدماتی داده‌ها شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره‌ها.
(ب) روش‌های آمار استنباطی شامل همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره و مدل یابی معادلات ساختاری بود، به منظور تحلیل مدل از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس استفاده شد، همچنین از آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه بین متغیرها استفاده شد و همچنین ضرایب همبستگی مثبت و منفی بین متغیرها مشخص شد و برای بررسی فرضیه‌های پژوهش سطح آلفای (P: ۰/۰۱) در نظر گرفته شد و اطلاعات و داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS23 تحلیل شد.
در ابتدا به بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه موردپژوهش شامل جنسیت، سن، وضعیت شغلی و سال تحصیلی دانشگاهی پرداخته می‌شود.

جدول ۱. توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر جنسیت

شاخص‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
زن	۲۳۱	۶۷٪
مرد	۱۱۴	۳۳٪
کل	۳۴۵	۱۰۰٪

جدول ۱ توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه را برحسب جنسیت دانشجویان نشان می‌دهد. تعداد زنان ۶۷ درصد و مردان ۳۳ درصد بودند.

جدول ۲. توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه برحسب سن

شاخص‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
۱۹ و ۲۰ ساله	۱۴۸	۴۲/۹٪
۲۱ و ۲۲ ساله	۹۳	۲۷٪
۲۳ و ۲۴ ساله	۵۰	۱۴/۵٪
۲۵ و ۲۶ ساله	۲۵	۷/۲٪
۲۷ و ۲۸ ساله	۱۷	۴/۹٪
۲۹ به بالا	۱۲	۳/۵٪
کل	۳۴۵	۱۰۰٪

جدول ۲ توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه را برحسب سن نشان می دهد. ۴۲/۹ درصد بین ۱۹ و ۲۰ سال، ۲۷ درصد بین ۲۱ و ۲۲ سال، ۱۴/۵ درصد بین ۲۳ و ۲۴ سال، ۷/۲ درصد بین ۲۵ و ۲۶ سال، ۴/۹ درصد بین ۲۷ و ۲۸ سال و ۳/۵ درصد هم دارای ۲۹ سال به بالا بودند.

جدول ۳. توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه برحسب وضعیت شغلی

شاخص ها	فراوانی	درصد فراوانی
بیکار	۱۷۸	۵۱/۶٪
شاغل	۱۶۷	۴۸/۴٪
کل	۳۴۵	۱۰۰٪

جدول (۴) توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه را برحسب وضعیت شغلی نشان می دهد. تعداد ۵۱/۶ درصد از آزمودنی ها بیکار و تعداد ۴۸/۴ درصد آنان نیز شاغل بودند.

فرضیه اصلی: مهارت حل مسئله، اثرات منفی شکست و خصومت با نقش واسطه ای خودفریبی می توانند عزت نفس را پیش بینی کنند.

برای بررسی ارتباط میان متغیرها، ضرایب همبستگی گوناگونی با توجه به نوع مقیاس دخیل در سنجش آن متغیرها وجود دارد. در این تحقیق با توجه به غیرنرمال بودن داده ها از آزمون های همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه بین متغیرها بهره برده شده است. دامنه ضریب همبستگی از -۱ تا +۱ تغییر می کند. هر چه مقدار این ضریب به +۱ نزدیک تر باشد، نشان از قوی بودن و مثبت بودن جهت ارتباط دو متغیر است.

به عبارتی با افزایش هر یک از متغیرها، دیگری نیز افزایش می یابد و بالعکس با کاهش هر یک از متغیرها دیگری نیز کاهش پیدا می کند. همچنین هرچه مقدار این ضریب به -۱ نزدیک تر باشد، نشان از قوی بودن و منفی بودن ارتباط بین دو متغیر است. به عبارتی با افزایش هر کدام از متغیرها، دیگری کاهش و با کاهش هریک از متغیرها دیگری افزایش پیدا می کند.

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین متغیرها

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
اعتماد به حل مسئله															
سبک گرایش - اجتناب	۰/۷۲۲**														
کنترل شخصی	۰/۷۵۴**	۰/۷۳۱**													
شکست	۰/۶۷۸**	۰/۷۰۵**	۰/۷۲۸**												
خصومت	-۰/۵۶۴**	-۰/۵۲۲**	-۰/۴۸۳**												
سردرگمی	۰/۵۰۴**	۰/۵۱۰**	۰/۴۴۵**	۰/۴۲۷**											
سوء استفاده و دروغ	۰/۶۱۹**	۰/۵۶۶**	۰/۵۹۶**	۰/۵۴۶**	-۰/۶۵۳**	۰/۶۲۳**									
عزت نفس عمومی	۰/۶۶۵**	۰/۶۴۱**	۰/۵۸۹**	۰/۵۹۵**	-۰/۷۶۲**	۰/۶۴۴**	۰/۷۱۰**								
عزت نفس اجتماعی	۰/۵۲۲**	۰/۴۹۴**	۰/۴۳۴**	۰/۵۰۴**	-۰/۵۴۱**	۰/۵۰۵**	۰/۵۳۹**	۰/۷۲۸**							
عزت نفس خانوادگی	۰/۶۱۱**	۰/۵۹۰**	۰/۵۶۶**	۰/۵۲۶**	-۰/۷۲۶**	۰/۶۲۱**	۰/۶۸۲**	۰/۷۵۶**	۰/۶۹۹**						
عزت نفس تحصیلی یا شغلی	۰/۶۵۴**	۰/۶۳۵**	۰/۵۷۴**	۰/۵۸۵**	-۰/۷۵۷**	۰/۶۱۱**	۰/۶۸۵**	۰/۷۱۴**	۰/۶۹۳**	۰/۷۳۶**					

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، بین تمامی متغیرهای مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد. به نحوی که ایجاد تغییر در یکی از متغیرها موجب ایجاد تغییر در سایر متغیرها خواهد شد.

جدول ۵. نتایج برآورد ضرایب معناداری T و ضرایب استاندارد شده مهارت حل مسئله بر عزت نفس

فرضیه اول	ضریب مسیر	مقدار T	سطح معناداری	نتیجه
مهارت حل مسئله بر عزت نفس	۰/۲۶۱	۳/۰۴۷	۰/۰۵	تأیید

در بررسی ضریب اثر مهارت حل مسئله بر عزت نفس، ضریب مسیر به میزان $0/261$ برآورد شده است، با توجه به این که مقدار تی برابر با $3/047$ و از $1/96$ بیشتر می باشد و سطح معناداری کمتر از $0/05$ به دست آمده است، می توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح $0/05$ معنادار است، یعنی مهارت حل مسئله بر عزت نفس تأثیر معناداری دارد و وجود اثر مستقیم بین مهارت حل مسئله بر عزت نفس تأیید می شود.

جدول ۶. نتایج برآورد ضرایب معناداری T و ضرایب استاندارد شده اثرات منفی شکست بر عزت نفس

فرضیه دوم	ضریب مسیر	مقدار T	سطح معناداری	نتیجه
اثرات منفی شکست بر عزت نفس	$0/142$	$2/033$	$0/05$	تایید

در بررسی ضریب اثر اثرات منفی شکست بر عزت نفس، ضریب مسیر به میزان $0/142$ برآورد شده است، با توجه به این که مقدار تی برابر با $2/022$ و از $1/96$ بیشتر می باشد و سطح معناداری کمتر از $0/05$ به دست آمده است، می توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح $0/05$ معنادار است، یعنی اثرات منفی شکست بر عزت نفس تأثیر معناداری دارد و وجود اثر مستقیم بین اثرات منفی شکست بر عزت نفس تأیید می شود.

جدول (۷): نتایج برآورد ضرایب معناداری T و ضرایب استاندارد شده خصومت بر عزت نفس

فرضیه سوم	ضریب مسیر	مقدار T	سطح معناداری	نتیجه
خصومت بر عزت نفس	$0/203$	$3/234$	$0/05$	تایید

در بررسی ضریب اثر خصومت بر عزت نفس، ضریب مسیر به میزان $0/203$ برآورد شده است، با توجه به این که مقدار تی برابر با $3/234$ و از $1/96$ بیشتر می باشد و سطح معناداری کمتر از $0/05$ به دست آمده است، می توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح $0/05$ معنادار است، یعنی خصومت بر عزت نفس تأثیر معناداری دارد و وجود اثر مستقیم بین خصومت بر عزت نفس تأیید می شود.

جدول ۸. نتایج برآورد ضرایب معناداری T و ضرایب استاندارد شده مهارت حل مسئله بر خودفریبی

فرضیه چهارم	ضریب مسیر	مقدار T	سطح معناداری	نتیجه
مهارت حل مسئله بر خودفریبی	$0/275$	$2/257$	$0/05$	تایید

در بررسی ضریب اثر مهارت حل مسئله بر خودفریبی، ضریب مسیر به میزان $0/275$ برآورد شده است، با توجه به این که مقدار تی برابر با $2/257$ و از $1/96$ بیشتر می باشد و سطح معناداری کمتر از $0/05$ به دست آمده است، می توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح $0/05$ معنادار است، یعنی حل مسئله بر خودفریبی تأثیر معناداری دارد و وجود اثر مستقیم بین مهارت حل مسئله بر خودفریبی تأیید می شود.

جدول ۹. نتایج برآورد ضرایب معناداری T و ضرایب استاندارد شده اثرات منفی شکست بر خودفریبی

فرضیه پنجم	ضریب مسیر	مقدار T	سطح معناداری	نتیجه
اثرات منفی شکست بر خودفریبی	$0/195$	$3/456$	$0/05$	تایید

در بررسی ضریب اثر اثرات منفی شکست بر خودفریبی، ضریب مسیر به میزان $0/195$ برآورد شده است، با توجه به این که مقدار تی برابر با $3/456$ و از $1/96$ بیشتر می باشد و سطح معناداری کمتر از $0/05$ به دست آمده است، می توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح $0/05$ معنادار است، یعنی اثرات منفی شکست بر خودفریبی تأثیر معناداری دارد و وجود اثر مستقیم بین اثرات منفی شکست بر خودفریبی تأیید می شود.

جدول ۱۰. نتایج برآورد ضرایب معناداری T و ضرایب استاندارد شده خصومت بر خودفریبی

فرضیه چهارم	ضریب مسیر	مقدار T	سطح معناداری	نتیجه
خصوصیت بر خودفریبی	۰/۳۵۲	۲/۳۴۵	۰/۰۵	تائید

در بررسی ضریب اثر خصوصیت بر خودفریبی، ضریب مسیر به میزان ۰/۳۵۲ برآورد شده است، با توجه به این که مقدار تی برابر با ۲/۳۴۵ و از ۱/۹۶ بیشتر می باشد و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده است، می توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح ۰/۰۵ معنادار است، یعنی خصوصیت بر خودفریبی تأثیر معناداری دارد و وجود اثر مستقیم بین خصوصیت بر خودفریبی تأیید می شود.

خودفریبی در رابطه بین مهارت حل مسئله و عزت نفس نقش واسطه ای دارد، براین اساس که همزمان تأثیر متغیر مستقل بر میانجی و تأثیر متغیر میانجی بر وابسته معنادار می باشد، بنابراین نقش خودفریبی و تأثیر غیرمستقیم آن تأیید می شود. نتایج مربوط به فرضیه چهارم در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱۱. نتایج برآورد ضرایب معناداری T و ضریب استاندارد شده خودفریبی در رابطه بین مهارت حل مسئله و عزت نفس

مسیر	ضریب مسیر استاندارد	آماره T	سطح معناداری	نتیجه
خودفریبی ← مهارت حل مسئله	۰/۲۶۱	۲/۹۱۹	۰/۰۵	تائید
خودفریبی ← عزت نفس	-۰/۵۴۳	۲/۶۵۴	۰/۰۵	تائید
مهارت حل مسئله ← عزت نفس	۰/۳۸۲	۲/۹۷۵	۰/۰۵	تائید

جدول ۱۲. مقدار تأثیرات خودفریبی در رابطه بین مهارت حل مسئله و عزت نفس

تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	مقدار آماره	سطح معناداری
-۰/۰۵۹	۰/۰۴۹	۲/۰۴۰	۰/۰۵

همان گونه که در جدول مشاهده می گردد، تأثیر خودفریبی در رابطه بین مهارت حل مسئله و عزت نفس با ضریب مسیر ۰/۲۶۱ و ۰/۵۴۳ و مقدار T، ۲/۹۱۹ و ۲/۶۵۴ مورد قبول واقع شده است و تأثیر مهارت حل مسئله بر عزت نفس نیز با ضریب تأثیر ۰/۳۸۲ و آماره T، ۲/۹۷۵ تأیید شده؛ این بدان معناست که متغیر خودفریبی نقش واسطه ای را در تأثیرگذاری مهارت حل مسئله بر عزت نفس دارد، به عبارتی دیگر خودفریبی به طور غیرمستقیم نیز به اندازه ۰/۰۴۹ بر عزت نفس تأثیر دارد.

خودفریبی در رابطه بین اثرات منفی شکست و عزت نفس نقش واسطه ای دارد، براین اساس که همزمان تأثیر متغیر مستقل بر میانجی و تأثیر متغیر میانجی بر وابسته معنادار هست، بنابراین نقش خودفریبی و تأثیر غیرمستقیم آن تأیید می شود. نتایج مربوط به فرضیه چهارم در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱۳. نتایج برآورد ضرایب معناداری T و ضریب استاندارد شده خودفریبی در رابطه بین اثرات منفی شکست و عزت نفس

مسیر	ضریب مسیر استاندارد	آماره T	سطح معناداری	نتیجه
خودفریبی ← اثرات منفی شکست	۰/۲۳۷	۲/۳۴۵	۰/۰۵	تائید
خودفریبی ← عزت نفس	-۰/۵۴۳	۲/۶۵۴	۰/۰۵	تائید
اثرات منفی شکست ← عزت نفس	-۰/۴۲۷	۲/۴۶۸	۰/۰۵	تائید

جدول ۱۴. مقدار تأثیرات خودفریبی در رابطه بین اثرات منفی شکست و عزت نفس

تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	مقدار آماره	سطح معناداری
-۰/۰۹۴	۰/۰۷۴	۳/۴۵۶	۰/۰۵

همان گونه که در جدول مشاهده می گردد، تأثیر خودفریبی در رابطه بین اثرات منفی شکست و عزت نفس با ضریب مسیر ۰/۲۳۷ و ۰/۵۴۳ و مقدار T، ۲/۳۴۵ و ۲/۶۵۴ مورد قبول واقع شده است و تأثیر اثرات منفی شکست بر عزت نفس نیز با ضریب تأثیر

۰/۴۲۷- و آماره T، ۲/۴۶۸ تأیید شده؛ این بدان معناست که متغیر خودفریبی نقش واسطه‌ای را در تأثیرگذاری اثرات منفی شکست بر عزت نفس دارد، به عبارتی دیگر خودفریبی به‌طور غیرمستقیم نیز به‌اندازه ۰/۰۷۴ بر عزت نفس تأثیر دارد.

خودفریبی در رابطه بین خصومت و عزت نفس نقش واسطه‌ای دارد، براین اساس که همزمان تأثیر متغیر مستقل بر میانجی و تأثیر متغیر میانجی بر وابسته معنادار هست، بنابراین نقش خودفریبی و تأثیر غیرمستقیم آن تأیید می‌شود. نتایج مربوط به فرضیه چهارم در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱۴. نتایج برآورد ضرایب معناداری T و ضریب استاندارد شده خودفریبی در رابطه بین خصومت و عزت نفس

مسیر	ضریب مسیر استاندارد	آماره T	سطح معناداری	نتیجه
خودفریبی ← خصومت	۰/۴۷۶	۲/۵۸۵	۰/۰۵	تأیید
خودفریبی ← عزت نفس	-۰/۵۴۳	۲/۶۵۴	۰/۰۵	تأیید
خصومت ← عزت نفس	-۰/۵۴۳	۲/۴۴۳	۰/۰۵	تأیید

جدول ۱۵. مقدار تأثیرات خودفریبی در رابطه بین خصومت و عزت نفس			
تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	مقدار آماره	سطح معناداری
-۰/۰۷۵	۰/۰۷۳	۲/۹۷۵	۰/۰۵

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌گردد، تأثیر خودفریبی در رابطه بین اثرات منفی شکست و عزت نفس با ضریب مسیر ۰/۴۷۶ و ۰/۵۴۳ و مقدار T، ۲/۵۸۵ و ۲/۶۵۴ موردقبول واقع شده است و تأثیر اثرات منفی شکست بر عزت نفس نیز با ضریب تأثیر ۰/۵۴۳- و آماره T، ۲/۴۴۳ تأیید شده؛ این بدان معناست که متغیر خودفریبی نقش واسطه‌ای را در تأثیرگذاری اثرات منفی شکست بر عزت نفس دارد، به عبارتی دیگر خودفریبی به‌طور غیرمستقیم نیز به‌اندازه ۰/۰۷۳ بر عزت نفس تأثیر دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

انسان موجودی اجتماعی است و رفتار آدمی تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار دارد. شخصیت انسان در صورتی به کمال خود می‌رسد که بین او و محیط تعامل و تبادل مناسبی صورت پذیرد. فشارهای اجتماعی به‌وضوح تأثیر فراوانی بر رفتار فرد دارد. از طرفی انسان موجودی انعطاف‌پذیر است. او نه تنها با محیط سازگار می‌شود بلکه محیط را بر طبق خواست خود دگرگون می‌کند. تحقیق حاضر به بررسی پیش‌بینی عزت نفس بر اساس مهارت حل مسئله، اثرات منفی شکست و خصومت با توجه به نقش واسطه‌ای خودفریبی در دانشجویان انجام گرفت.

نتایج تحقیق نشان داد رابطه عزت نفس با مهارت حل مسئله مثبت و معنی‌دار هست. جوانان هر زمان که مهارت حل مسئله را به شکل واقعی خود یاد گرفتند و در زندگی تبدیل به مهارت گردید، بر روی بسیاری از مسائل روانی آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود از جمله این موارد می‌توان به عزت نفس اشاره کرد.

به جهت نقش اساسی باور به خودکارآمدی و عزت نفس در بروز رفتارهای خلاقانه که موجب موفقیت شغلی افراد می‌گردد، شناسایی عوامل مرتبط با آن اهمیت زیادی دارد. نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد که نزدیک به دوسوم از دانشجویان از عزت نفس مطلوبی برخوردار نیستند. بر این اساس، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که دانشگاه نتوانسته است زمینه‌ای ارتقا باور به خودکارآمدی دانشجویان را فراهم نماید. لذا به نظر می‌رسد انجام مطالعات بیشتری در خصوص شناسایی عوامل و موانع ارتقا باور به خودکارآمدی و عزت نفس در مؤسسات آموزشی ضروری است. عزت نفس و خودکارآمدی می‌تواند تحت تأثیر روش‌های حل مسئله افراد قرار گیرد. زمانی که سبک حل مسئله افراد هیجان‌مدار هست و به جای تمرکز بر روی نوع مشکل، به شکل هیجانی با آن برخورد می‌شود، در نتیجه عزت نفس و خودکارآمدی فرد تحت شعاع قرار می‌گیرد و تنزل پیدا می‌کند اما زمانی که شیوه حل

مسئله بر پایه ایجاد راه حل تمرکز داشته باشد می تواند در افزایش اعتماد به نفس نقش داشته باشد و احساس خودکارآمدی را در فرد ارتقا دهد. هرچند در مطالعه حاضر حل مسئله دانشجویان با عزت نفس و خودکارآمدی رابطه مثبت و مستقیم داشت. سبک درماندگی، بیانگر تنهایی و بی یابوری فرد در موقعیت های مسئله‌زا است؛ لذا کسانی که در مواجهه با مسائل از این سبک استفاده می کنند به دلیل احساس تنهایی و عدم داشتن پشتوانه ی لازم از باور به خودکارآمدی لازم برخوردار نخواهند بود.

حل مسئله و عزت نفس دارای بار مثبت روانی بوده اند اما زمانی که کلیدواژه های منفی به آن ها اضافه شوند تحت تأثیر قرار گرفته و از خاصیت مثبت آن ها کم شده و جنبه منفی آن ها نمایان می شود از جمله این موارد می توان به خصومت اشاره کرد که در این پژوهش با نقش میانجی که در معادله انجام داد اثر گزاری حل مسئله را به شکل منفی نشان داد و احساس عزت نفس را در دانشجویان از بین برد. در تحلیل این نتیجه باید اذعان کرد که هرگونه خصیصه منفی می تواند در کاهش عزت نفس نقش منفی داشته باشد. خصومت نیز تمرکز را از فرد گرفته و فرد را به سمت سبک حل مسئله هیجان مدار و ناکارآمدی پیش می برد و در نتیجه آن فرد نمی تواند خود واقعی خود را نشان داد و در صورت ادامه دار بودن خصومت، فرد از عزت نفس حقیقی فاصله گرفته و احساس ناکارآمدی می کند؛ بنابراین دانشجویان نیز از این قضیه مستثنی نبوده و در اثر خصومت های پایدار کارایی خود را از دست داده و احساس ناکارآمدی می کنند و در نتیجه آن در بلندمدت یک دانشجوی پرانرژی و باانگیزه تبدیل به یک دانشجوی افسرده و خالی از هدف می شود.

همچنین خودفریبی نیز یکی از متغیرهای پژوهش حاضر بود که با نقش میانجی خود تأثیر منفی بر عزت نفس دانشجویان ایفا کرده است. در تحلیل این یافته باید اذعان کرد که خودفریبی در دانشجویان به معنای عدم آگاهی و برآورد صحیح از توانمندی های فرد باشد که در نتیجه آن عزت نفس کاذب در فرد ایجاد می گردد و در نتیجه آن فرد پس از چند ناکامی متوالی احساس شکست نموده و در صورت نبود مهارت کافی، این احساسات منفی ماندگار خواهد شد و در نهایت احساس ناکارآمدی و عزت نفس پایین در دانشجویان شکل گرفته و ماندگار خواهد شد و در نهایت اثرات ماندگار فردی، خانوادگی و اجتماعی بر جای خواهد گذاشت.

بنابراین برنامه ریزان آموزش کشور باید به این ریز فاکتورهای مهم در آموزش های خود اهمیت دهند. در صورتی که عزت نفس دانشجویان و فاکتورهای وابسته به آن شناسایی و مورد مطالعه قرار گیرد و در اهداف سازمانی لحاظ شود و برنامه عملیاتی برای آن تدوین شود در نهایت یک جامعه علمی پویا و پرانگیزه شکل خواهد گرفت. همچنین باید برای حل مسئله و آموزش آن به دانشجویان برنامه ریزی شود. از آنجایی که همه افراد در زندگی خود با مسائل و مشکلاتی روبرو می شوند ضروری است که نحوه ی حل صحیح مشکلات را بیاموزند تا بتوانند به طرز مؤثری با این مسائل و مشکلات برخورد نموده و از بروز مشکلات و مسائل پیچیده تر بعدی پیشگیری نمایند. در واقع آموزش مهارت حل مسئله یکی از نیازهای اساسی هر فرد است مخصوصاً برای جوانان و دانشجویان که با مشکلات و مسائل مختلفی روبرو هستند و چنانچه توانایی حل این مسائل و مشکلات را نداشته باشند ممکن است به راه حل های ناسازگارانه، ناپخته و حتی مضر رو آورده و مشکل را پیچیده تر از آنچه هست نمایند.

منابع

- بابازاده، زهرا، مجاری، شیرین، و فتاحی، کامروز. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر آموزش حل مسئله بر خودپنداره، عزت نفس و خودتنظیمی دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری. مجله ناتوانی‌های یادگیری، ۱۱(۱)، ۶-۱۹.
- حبیب‌زاده، عباس، احمدی‌فکی، مریم، و زارقه مجابی، مجید. (۱۳۹۶). مقایسه مسئولیت‌پذیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی در جوانان شاغل در کسب‌وکارهای خانگی (پسران و دختران). مطالعات زن و خانواده، ۴۰(۴)، ۲۹-۵۰.
- فانی، حسن. (۱۳۸۸). رابطه میان عدالت، دموکراسی و صلح در جمهوری افلاطون. فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، ۴(۲)، ۳-۲۰.
- مالکی، مجید، لطفی، شاهر، و محمدی، فریبا. (۱۳۹۲). مقایسه سلامت روان و سازگاری اجتماعی کودکان زنان شاغل و غیرشاغل. کنفرانس ملی علوم تربیتی و روانشناسی، در مشهد، انتشارات اندیشه سازان.
- محمدی‌وار نادوشان، علی، و رجب‌زاده، بیبی نصرآباد، حاجیه، و ماندگاری، علی. (۱۳۹۸). بررسی تعارض کار-خانواده و رابطه آن با رفتار باروری (مطالعه‌ای در میان زنان شاغل در آموزش و پرورش یزد). مجله انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۰(۱۹)، ۱۶۵-۱۹۳.
- نصیری، بیژن، و نوری، رباب. (۱۴۰۰). بررسی نقش میانجی‌گر نشخوار فکری خشم در رابطه بین عزت نفس و پرخاشگری: کنترل نقش خودشیفتگی. توسعه روانشناسی، ۱۰(۹)، ۶۷-۷۸.
- ظریف، پگاه، و قاسمی، ایوب. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر افسردگی، اضطراب و تصویر بدنی بر رضایت جنسی زناشویی. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ۱۵(۲)، ۳۳-۴۲.
- Almani, A. S. A., Abro, A., & Mugheri, R. A. (2020). Study of the effects of working mothers on the development of children in Pakistan. *International Journal of Humanities and Social Science*, 2(11), 1-10.
- Anderson, R., & Kim, S. (2023). Interpersonal hostility, self-esteem, and problem-solving efficacy: A longitudinal study. *International Journal of Behavioral Science*, 37(1), 45-60.
- Arshan, S., & Altinbas Akkas, O. (2018). Quality of college life (QCL) of students in Turkey: Student's life satisfaction and identification. *Social Indicators Research*. <https://www.researchgate.net/journal/0303-8300-social-indicators-research>
- Babazadeh, Z., Mojaro, S., & Fathi, K. (2021). Investigating the effect of problem solving training on self-concept, self-esteem and self-regulation of students with learning disabilities. *Learning Disabilities*, 11(1), 6-19. <https://doi.org/10.22098/jld.2021.7340.1786>
- Blascova, M. (2014). Influencing academic motivation, responsibility and creativity. *Social and Behavioral Sciences*, 159, 415-425.
- Bootchi, A. (2012). Psychological characteristics of children of working mothers. *Handbook of Child Psychology*, 21(3), 67-87.
- Dowling, H. (2018). Young children's personal, social and emotional development.
- Gold, D., & Andres, D. (2012). Comparisons of adolescent children with employed and nonemployed mothers. *Merrill Palmer Quarterly*, 21(3), 23-38.
- Johnson, L., & Thompson, P. (2022). The impact of self-esteem and problem-solving skills on self-deception: A comprehensive review. *Journal of psychology*, 1-10.
- Jones, P., & Miller, R. (2022). Interpersonal hostility, self-esteem, and problem-solving efficacy: A longitudinal study. *International Journal of Behavioral Science*, 36(4), 201-215.
- Orth, U., & Robins, R. W. (2019). Development of self-esteem across the lifespan. *Current Directions in Psychological Science*, 28(3), 241-246.
- Rosenberg, M. (1965). *Society and the adolescent self-image*. Princeton University Press.
- Schimmenti, A., Jonason, P. K., Passanisi, A., LaMarca, L., DiDio, N., & Gervasi, A. M. (2017). Exploring the dark side of personality: Emotional awareness, empathy, and the dark triad traits in an Italian sample. *Current Psychology*, 38(1), 100-109.
- Skeem, J. L., Manchak, S., & Peterson, J. K. (2018). Correctional policy for offenders with mental illness: Creating a new paradigm for recidivism reduction. *psychology*, 35(2), 110-112.
- Smith, J., & Brown, A. (2023). The role of self-esteem and problem-solving skills in mitigating self-deception. *Journal of Psychological Research*, 45(2), 123-139.
- Zeigler-Hill, V., & Marcus, D. K. (2016). *The dark side of personality: Science and practice in social, personality, and clinical psychology*. American Psychological Association.